

شورای متحده مرکزی و کارگران ایران

در شماره قبلی باین تنجه رسیدیم که کمونیزم بین الملل از دسته بندیهای کمونیستهای ایران تحت عنوان اتحادیههای مختلف کارگری بستوه آمده و فرمان وحدت اتحادیههای کارگری را برای اجرای نقشههای بعدی خود به شورای مرکزی کارگران ایران وابسته بحزب توده صادر نمود و متعاقب آن شورای متحده مرکزی تشکیل گردید.

شورای متحده مرکزی بملل زیرین به سایر اتحادیههای کارگری پیروز شده و نیروی قابل توجهی از کارگران ایران را متمرکز نمود.

۱ - وحدت اتحادیههای کارگری از نظر تئوری مارکسیسم و لنینسیم الزامی بوده و باید طبق تعالیم آن هر چه بیشتر کارگران را در تشکیلات واحدی متمرکز نموده و آنان را بسوی تشدید مبارزات انقلابی رهبری نمود و بهمین دلیل چون کلیه رهبران و مؤسسين شورای مرکزی کارگران ایران وابسته بحزب توده و اتحادیه مرکزی کارگران ایران و اتحادیه زحمتشکان اذعان بکمونیست بودن خود داشتند نمیتوانستند بطور موثر علیه این وحدت کارگری اقدامی نمایند .

۲ - عده ای از مؤسسين و رهبران اتحادیههای مختلف که در تحت لوای شورای متحده مرکزی متشکل شدند بیا نیه تأسیس شورای مزبور و وحدت اتحادیههای کارگری را امضاء نموده بودند.

۳ - مخالفین تحت عنوان تر و تسکیت و پرو و کاتور مورد حمله روزنامه ترود ارگان اتحادیههای کارگری اتحاد جماهیر شوروی واقع شده و بکلی وجهه طرفداری از طبقه کارگر و کمونیست بودن خود را اذست دادند .

باید توجه داشت که در آن زمان هنوز مسئله اختلافی احزاب کمونیست و تمایلات استقلال طلبانه در قبال کرملین مانند یوگسلاوی - چین لهستان و غیره وجود نداشته و حتی پیش بینی

هم نشده بود و بهمین علت ملازمه کمونیست اصیل بودن تأیید مسکو و مطبوعات اتحاد جماهیر شوروی بود .

۴ - از نظر روانی افکار طبقه کارگر متوجه يك جریان حاد انقلابی علیه دستگاه حاکمه بوده و تنها سازمان ضد دستگاه مذکور را هم حزب توده و شورای متحده مرکزی میدانستند که مورد تأیید باصطلاح پرچم‌دار دیکتاتور پرولتاریا اتحادیه جماهیر شوروی بود .

۵ - بالاخره مسافرت لوئی سایان بایران و قبول عضویت شورای متحده مرکزی در فدراسیون سندیکاهای جهانی که وابسته و تحت رهبری انترناسیونالیزم کمونیسم بود بکلی به داستان مخالفت‌های دیگران خاتمه داده و باعث استحکام و نیرومندی شورای متحده مرکزی در آن شرایط گردید .

شورای متحده مرکزی پس از این موفقیت در صحنه سیاست نهضت کارگری ایران یکه تاز میدان شده بدون توجه باصول مبارزات سندیکائی باحزب توده توأم‌آشروع بمبارزات حاد سیاسی نمود .

مسئله عدم رعایت اصول سندیکائی از طرف رهبران شورای متحده مرکزی چنان واضح و مسلم است که احتیاج بهیچگونه دلیل و برهانی ندارد . بهمین لحاظ هم ما فقط برای تجدید خاطر خوانندگان گرامی بخلاصه اعمال غیر اصولی رهبران شورای متحده مرکزی ذیلا اشاره نموده بادامه مطلب خواهیم پرداخت .

۱ - توأم نمودن مبارزات اقتصادی با مبارزات سیاسی .

رهبران شورای متحده مرکزی مبارزات اقتصادی کارگران را با مبارزات سیاسی حزب توده چنان توأم نمودند که برای هیچکس تشخیص و تفکیک این دو سازمان از یکدیگر مقدور نمیگردید و بطور کلی تمام مردم ایران يك جریان سیاسی را که عبارت از فعالیت کمونیست‌ها برای واژگون نمودن رژیم این مملکت بود بدو نام (شورای متحده مرکزی و حزب توده) میشناختند . توأم نمودن مبارزات اقتصادی کارگران با مبارزات سیاسی یکی از اصول مسلم تئوری مارکسیسم و لنینیسم میباشد ولی تفاوت که نحوه عمل کمونیست‌های ایران با سایر کمونیست‌های جهان داشت این بود که آن‌ها مطلقاً سازمان سندیکائی بوجود نیاورده بلکه ده‌ها هزار نفر را با آنارشیسم کامل در اتحادیه‌های مختلف تمرکز داده و عنداللزوم بعنوان ارتش حزب توده مورد استفاده قرار میدادند . موضوع دیگری که کمونیست‌های ایران مانند سایر هم مسلکان خود در جهان عمل نمینمودند این بود که آنان مطلقاً افرادی را که حاضر به تبعیت

کود کورانه از سیاست حزب نبود به شورای متحده مرکزی راه نمیدادند و با آنکه اسماً مدعی بودند که هر کس با هر عقیده سیاسی میتواند عضویت شورای متحده مرکزی درآید (باستثنای فاشیست‌ها) ولی هیچوقت باین ادعای خود جامعه عمل نبوشانیدند بهمین دلیل عده کثیری از کارگران ایران از عضویت در سندیکاهای کارگری محروم شدند و آنهائیم که عضویت شورای متحده مرکزی درآمدند با توجه برویه شورای مذکور خود را عضو یک جریان سیاسی میدانستند نه سندیکاهای کارگری.

۲ - عدم ایجاد تشکیلات منظم سندیکائی در شورای متحده مرکزی

رهبران حزب توده که همان رهبران شورای متحده مرکزی بودند عالماً و عامداً از بوجود آوردن هر گونه سازمان سندیکائی اصیل جلوگیری نمودند هر کسیکه مختصر اطلاعاتی از امور سندیکائی داشته باشد میداند که القبای تشکیل سندیکاهای کارگری و مبارزات اصولی آنان ملازمه با رعایت کامل دموکراسی در داخل سندیکاها میباشد و یکی از اصل مسلم این اصول انتخاب ارگانهای رهبری از پائین است در صورتیکه همه میدانند که هیئت عامله شورای متحده مرکزی و دبیر آن را نه اینکه کارگران انتخاب ننموده بودند بلکه بطور درپست از طرف حزب توده به طبقه کارگر تحمیل شده بود و بهمین لحاظ سا اشخاص درست و صحیح العمل که ممکن بود در طول مبارزات سندیکائی عناصر ارزنده برای طبقه کارگر ایران شوند از دستگاههای رهبری مطرود و در صورت کوچکترین اعتراضی هم مورد حمله دستگاههای تبلیغاتی واقع شده و بزودی با مارک جیره خوار!! مزدور امپریالیسم!! پلیس!! و غیره از میدان مبارزه طرد میگرددند.

۳ - عدم رعایت اصول توسعه و گسترش سازمان

شورای متحده مرکزی که بعقل غیر طبیعی و تحمیلی از طرف کمونیزم بین الملل تحقق پیدا کرده گسترش پیدا نموده بود مواجه با اشکالات عمده از نظر توسعه اصول تشکیلات گردیده و هر ج و مرج غریبی در کشور بوجود آورد. بطور کلی هر سازمان اجتماعی در حال گسترش و تکامل لازم است توازن سه اصل زیرین را رعایت نماید یعنی همیشه باید توسعه تشکیلات موازی با تقویت و نیرومندی بنیه مالی و سطح فکر (کادر سازمانی) توأم باشد و عدم تکامل هر یک از آنان موجب از هم پاشیدگی و آنارشیزم در تشکیلات میگردد.

توازن سه اصل فوق‌الذکر نتیجه تجربه گرانهای مبارزات اجتماعی مردم جهان میباشد که رهبران آن نهضت عملاً دیده‌اند سازمانیکه فقط از لحاظ تعداد افراد گسترش پیدا کرده و فاقد قدرت مالی بوده نتوانسته است بحیات خود ادامه دهد و از هم پاشیده شده است و همینطور اگر سازمانی از لحاظ تعداد افراد و بنیه مالی توازن داشته گسترش پیدا کرده است بواسطه فقد کارد با معلومات جهت‌رهبیری ارگانه‌های مختلف به آثار شیسیم منجر شده و هر کس به میل خود هر طور که خواسته رفتار نموده است در شورای متحده مرکزی قسمت آخر کاملاً صدق داشته و بهمین دلیل هم عده‌ای ماجراجو که آشنا با اصول سندیکائی نبوده و به نحوی از آنها میخواستند استفاده نموده و قدرت نمائی نمایند متوسل بهرگونه اعمال خلاف انسانی گردیدند.

ملت ایران شاهد اعمال غیر انسانی فراوانی بودند که از طرف گردانندگان شورای متحده مرکزی در مرکز و شهرستانها بوقوع می‌پیوست . از جمله خرابکاری در کارخانجات . زندانی و توقیف نمودن مردم در سندیکاهای وابسته بشورای متحده مرکزی و قتل و غارت اموال سازمانهای مخالف و اعمال دیگر میباشد .

اختلافات خصوصی اعضای دستگاه رهبری شورای متحده مرکزی نیز باین هرج و مرج اضافه شده و صحنه‌های نفرت‌انگیزی بوجود می‌آورد و این اختلافات بحدی بود که به روزنامه‌ارگان نیز کشیده شده و هر دسته علیه دسته دیگر در روزنامه‌ارگان مطالبی درج کرده و حتی بدون رعایت هرگونه تشریفات لازم برای اخراج یکی از اعضای دستگاه رهبری باندیکه موقتاً پیروز شده بود فردی از باند دیگر را که بیشتر مورد تنفر بوده و از حمایت فعالین محروم بود اخراج مینمودند .

اینک با توجه به توضیحاتی که داده شد بطور خلاصه لطماً تیکه شورای متحده مرکزی بکارگران ایران وارد نمود از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرانیم . تشکیل و موجودیت شورای متحده مرکزی در ایران سبب شد که :

۱- کارگران ایران نتوانستند سندیکاهای اصیل کارگری تشکیل داده و از منافع صنفی خود دفاع نمایند .

۲- عده‌ای از کارگران فعال و مبارز به عناصر ماجراجوو فرصت طلب تبدیل شده و لطمه جبران ناپذیری به حیثیت طبقه کارگر ایران وارد نمودند .

۳- کارگران فعال از اخذ تعلیمات سندیکائی محروم شده و طبقه کارگر ایران از کادر سندیکائی ذیقیمت که میتوانست در طول آن زمان بوجود بیاید محروم شدند .

۴- مردم از نام سندیکا وحشت پیدا کرده و سازمانهای کارگری را بعنوان يك سازمان مخرب شناختند .

۵- صاحبان وسائل تولید و کارفرمایان سندیکاهای کارگری را يك سازمان تخریب کننده کارخانجات و پائین آورنده سطح تولید شناخته و از نام آن هنوز هم وحشت دارند .

۶- رهبران اجتماعی و مسئولین مملکتی که برای اولین مرتبه در تاریخ ایران با نهضت سندیکائی روبرو شده بودند سازمانهای کارگری را ترمزکننده تکامل و ترقی جامعه شناخته و هنوز هم عدهای مخالف بوجود آمدن این نوع سازمانها میباشند .

۷- ایمان کارگران از اعتقاد به سندیکاهای کارگری سلب شده و سبب گردید که پس از آزادی تشکیل سندیکای کارگری هم در ایران سندیکاهای اصیل کارگری تحقق پیدا ننماید .

۸- اعتصابات بیجا و حساب نشده و خلق حوادث برای کشت و کشتار کارگران سبب شده که هنوز هم کارگران ایران از يك اقدام جدی برای اخذ حقوق خود با سابقه ذهنی که از حوادث گذشته دارند وحشت نمایند .

۹- تحریک کارگران علیه روشنفکران باعث شده که هنوز هم کارگران ایران از استمداد از طبقه تحصیل کرده و راهنمایی آنان گریزان بوده و از هرگونه همکاری با آنان خودداری نمایند .

۱۰- تبلیغ وسیع لزوم توأم شدن مبارزه اقتصادی با مبارزات سیاسی سبب شده که هنوز هم کارگران فعال به اصالت مبارزه اقتصادی کارگران با نظر شك و تردید نگاه کرده و از کوشش لازم برای تحقق سندیکاهای اصیل کارگری خودداری نمایند .

۱۱- ایجاد صحنه های زد و خورد با مأمورین انتظامی سبب شده که هنوز هم عدهای از مأمورین انتظامی از موجودیت سندیکاهای کارگری با سابقه ذهنی که از نحوه عمل شورای متحده مرکزی دارند نفرت داشته باشند .

۱۲- بالاخره نتیجه تشکیل و موجودیت شورای متحده مرکزی در گذشته است که هنوز هم يك سندیکای اصیل کارگری که منطبق با اصول سازمانی سندیکائی بوده و بمفهوم واقعی کلمه مدافع منافع طبقه کارگر باشد نتوانسته است در ایران تشکیل یافته و مراحل تکاملی خود را به پیماید .